



حوادث تلخ و ناخوشایند

روزهای بعد از انتخابات ریاست جمهوری که در پرتو یک سناریوی پیچیده و از قبل طراحی شده رقم خورد حکایت از زمینه‌سازی برای به چالش کشیدن نظام جمهوری اسلامی و در نهایت فراهم نمودن زمینه‌های سقوط حکومت دینی در ایران داشت.

گستره زوایای پیچیده این ماجراء و بستر سازی‌های لحاظ شده در طول این فرایند که در گذر زمان ابعاد آن بیشتر آشکار خواهد شد، نشان از تلاش گسترده دشمن برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت طلایی پیش آمده داشت، که در طول سه دهه گذشته همواره جزء آرزوهای دست نیافتنی برای دشمنان انقلاب اسلامی محسوب می شد. لذا عدم موفقیت در دست یابی به اهداف مورد نظر در این سناریو، می توانست حاوی رسوایی بزرگی برای سران آمریکا و اتحادیه اروپا در سطح بین المللی و مهره‌های اصلی و شناخته شده این آنها در داخل کشور باشد.

اظهارات صریح سران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی و هماهنگی در انعکاس گسترده شایعات و پوشش خبری این رویدادها از سوی رسانه‌های وابسته که بر خلاف عرف بین المللی صورت می گرفت، علاوه بر اینکه نشان از اهمیت ماجرا و نتایج آن برای امریکا و اتحادیه اروپا داشت، نمایانگر نوعی اطمینان بخشی به عوامل و عناصر داخلی نیز به شمار می رفت.

دشمن در کنار پوشش خبری وسیع و جنگ روانی، تأمین هزینه‌های مالی، بسیج امکانات و بکار گیری عناصر مجرب و آموزش دیده و نیز استفاده از نظریات عناصر معلوم الحالی که با اهداف مشخصی

انقلاب مخملی پروه‌های است که طی آن قدرت با اعمال خشونت از یک گروه به گروه دیگر منتقل می‌شود و قدرت به طور کامل تغییر جایگاه پیدا می‌کند. در انقلاب‌های کلاسیک ساختار سیاسی و حاکمان به طور حتم و کامل تغییر می‌کنند و نهادهای جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آیند. اعمال خشونت هزینه‌های تغییر را بالا می‌برد و باعث ایجاد هرج و مرج در جامعه، حتی به طور موقت می‌گردد.

این نوع انقلابها تا کنون در برخی کشورها انجام شده که مستقیما با دخالت غرب شکل گرفته بود . از جمله این انقلابها می توان به موارد زیراشاره کرد:

انقلاب «بولدوزر در صربستان در سال ۲۰۰۰ که به پیروزی رسید و به کشورهای اروپای شرقی صادر شد.

انقلاب «گل رز»که در سال ۲۰۰۳در گرجستان روی داد و پیروز شد؛

انقلاب «نارنجی» که در سال ۲۰۰۴در اوکراین به نتیجه رسید و پیروز شد ؛

انقلاب «لاله ای» قرقیزستان که در سال ۲۰۰۵ رخ داد و پیروز شد ؛
انقلاب« سبز» که درسال۲۰۰۵ در لبنان روی داد و همچنان ادامه دارد؛

انقلاب «سفید» که در سال ۲۰۰۶در بلاروس رخ داد و به نتیجه نرسید؛

انقلاب «آبی» که در سال۲۰۰۵ در کویت روی داد و پیروز شد ؛
انقلاب «انگوری» که در سال ۲۰۰۶در مولداوی رخ داد و شکست خورد؛

انقلاب «بی رنگ» در سال ۲۰۰۶در ونزوئلا روی داد وبه نتیجه نرسید ؛

از سالها قبل به آغوش غرب پناه برده و در جوار سازمانهای وابسته بین المللی صاحب اعتبار کذائی شده بودند تلاش داشت تا یک انقلاب به اصطلاح رنگی شبیه آنچه که در کشورهای شرق اروپا و آسیای میانه رخ داده بود ایجاد کند.

حوادث اخیر با تمام فراز و نشیب‌ها فرصتی برای رونمایی از برخی چهره‌های شاخص و عناصر وابسته به غرب فراهم نمود. کسانی که سالها به برکت اتصال به آخور غرب و اروپا برای خود شخصیت جهانی و اعتبار بین المللی کسب نموده اند، می بایست در جریان این آشفته بازار خودی نشان می داند و وفاداری خویش را بعنوان عناصر

منتقد و مخالف با انقلاب اسلامی ثابت می کرد.

یکی از این عناصر خود فروخته که در جریانات اخیر و حتی بعد از تأیید صحت انتخابات، همانند یک کالای لوکس غربی روی بورس خبری قرار گرفت و در فرصت پیش آمده نهایت همصدایی و همکاری را با سران اروپا و غرب در مواضع اسلامی از خود نشان داده و سخنانش به علت برخورداری از برخی سوابق، تلاش ها و ویژگی‌ها در کانون توجه رسانه‌های غربی قرار گرفت، «شیرین عبادی» بود.

رونمایی از مرکل ایران

————— **عماد حسینی** —————

این شخص در وب سایت مستند «ویکی‌پدیا» این طور معرفی می شود.
شیرین عبادی، متولد ۳۱ خرداد ۱۳۲۶همدان نخستین ایرانی است



که جایزه نوبل برای صلح را به خاطر تلاش برای ترویج مردم‌سالاری و رعایت حقوق بشر در ایران به ویژه در مورد حقوق زنان و کودکان در سال ۲۰۰۳میلادی دریافت کرده است.
عبادی همچنین اولین زن مسلمان و سومین مسلمان دریافت کننده این جایزه محسوب می‌شود.

شیرین عبادی که به عنوان یک فرد به ظاهر مسلمان در راستای تلاش برای صلح آمریکایی مورد توجه و تقدیر غرب قرار گرفته است، این روزها همصدا با «آنحلا مرکل» کاسه داغ تر از آش شده و نگران آزادی و حقوق مدنی در ایران

صداق صادق

که همان خواست مردم است می‌شود. زهی خیال باطل که امثال شیرین عبادی، دلسوز ملت‌های مظلوم و حتی هموطنان خود باشند. اما این وجه تشابه را تنها در بخش اندکی از اظهارات آنحلا مرکل و شیرین عبادی در مورد حوادث بعد از انتخابات می توان مشاهده نمود. پس از بازشماری آرای صندوق‌ها و تأیید صحت انتخابات ریاست جمهوری، شبکه بی بی سی برنامه ای با حضور امیر عظیمی کارمند خود و شیرین عبادی ترتیب داد. عبادی در این برنامه گفت : یک بن بست حقوقی پیش آمده چون نتیجه قانع کننده ای به دست نیامده، نتیجه ای که آقایان موسوی و کروبی و از همه مهم تر مردم آن را قبول کنند. مسلم آن است که در مسیر حقوقی و فرایند سیاسی جمهوری اسلامی با وجود رهبری هوشیار، آگاه و حکیم و ملتی فرهیخته و در صحنه هیچگاه بن‌بست ایجاد نخواهد شد بلکه این بن‌بست در درک مدعیان دروغین دموکراسی غرب و فرهیختگان داخلی آنها همچون شیرین عبادی است که ایجاد شده است. آنها در طول ۳۰ سال گذشته مدام از بن‌بستی سخن گفته‌اند که خود ناتوان از درک آن هستند. زیرا که علیرغم درک و خواست آنها، ایران اسلامی امروز بزرگترین قدرت صاحب نفوذ در کل خاورمیانه است و اهتمام دارد تا پیام معنویت و انسان‌ساز خود را به کل جوامع آزادیخواه جهان صادر کند.

جرم روشنفکران غریزده ای همچون شیرین عبادی در خیانت به آرمانها و اعتقادات یک ملت اگر بیش از سران متجاوز غربی نباشد کمتر نیست؛ زیرا اولین گام استعمار راه نفوذ در سست کردن اراده یک ملت و چپاول یک کشور توسط دولتهای استعماری از طریق همین عناصر خود فروخته و غریزده صورت می‌گیرد. بیچاره ملتی که قهرمان ندارد و بیچاره تر ملتی که در انتظار رونمایی از قهرمان لحظه شمار ی می‌کند.

البته و صد البته که ملت فهیم و انقلابی ایران وقتی سخنان امثال آنحلا مرکل و شیرین عبادی را در کنار هم قرار می‌دهند، هرگز ذره ای در اقتدار و عزم انقلابی خویش سستی راه نمی‌

دهند. زیرا خوب می‌داند که همانند شیرین عبادی‌ها که همه چیز از جمله بالاترین گوهر وجودی یک انسان را دو دستی به سران غرب و اروپا هدیه کرده اند دیگر نمی‌توانند نگران وطن، غیرت، استقلال، آزادی، نوامیس و شرف این ملت باشند. هرچند شیرین عبادی، دلسوز ملت‌های مظلوم و حتی هموطنان خود باشند. اما این وجه تشابه را تنها در بخش اندکی از اظهارات آنحلا مرکل و شیرین عبادی در مورد حوادث بعد از انتخابات می توان مشاهده نمود.

پس از بازشماری آرای صندوق‌ها و تأیید صحت انتخابات ریاست جمهوری، شبکه بی بی سی برنامه ای با حضور امیر عظیمی کارمند خود و شیرین عبادی ترتیب داد. عبادی در این برنامه گفت : یک بن بست حقوقی پیش آمده چون نتیجه قانع کننده ای به دست نیامده، نتیجه ای که آقایان موسوی و کروبی و از همه مهم تر مردم آن را قبول کنند. مسلم آن است که در مسیر حقوقی و فرایند سیاسی جمهوری اسلامی با وجود رهبری هوشیار، آگاه و حکیم و ملتی فرهیخته و در صحنه هیچگاه بن‌بست ایجاد نخواهد شد بلکه این بن‌بست در درک مدعیان دروغین دموکراسی غرب و فرهیختگان داخلی آنها همچون شیرین عبادی است که ایجاد شده است. آنها در طول ۳۰ سال گذشته مدام از بن‌بستی سخن گفته‌اند که خود ناتوان از درک آن هستند. زیرا که علیرغم درک و خواست آنها، ایران اسلامی امروز بزرگترین قدرت صاحب نفوذ در کل خاورمیانه است و اهتمام دارد تا پیام معنویت و انسان‌ساز خود را به کل جوامع آزادیخواه جهان صادر کند.

سرزمین فلسطین، سخن بگوید؟ آیا حاضر است در راستای دفاع از حقوق اولیه و طبیعی مردم مسلمان و مظلوم فلسطین، سران رژیم صهیونیستی و حامیان آمریکایی و اروپایی این رژیم را که بیش از نیم قرن سیاست نژادکشی علیه مردم مظلوم فلسطین را در پیش گرفته و به تازگی نیز مرتکب جنایات هولناک و بی سابقه ای در غزه فلسطین شده اند، به عنوان جنایتکاران جنگی مورد انتقاد قرار دهد؟ حتماً از منظر خانم شیرین عبادی در این زمینه یک بن بست حقوقی وجود دارد که مانع مراجعه علمای حقوق به منشاء قانون

البته و صد البته که ملت فهیم و انقلابی ایران وقتی سخنان امثال آنحلا مرکل و شیرین عبادی را در کنار هم قرار می‌دهند، هرگز ذره ای در اقتدار و عزم انقلابی خویش سستی راه نمی‌

هایی که فکر می‌کنند متوجه آن است، هستند.

رابرتز سِپس با اشاره به سیاست‌های تاریخی اشتباه آمریکا علیه ایران می‌افزاید: بد جلوه دادن احمدی‌نژاد در رسانه‌های آمریکایی، خود نشان‌دهنده نادانی آمریکاست.

زیرا رییس‌جمهور ایران تنها تصمیم‌گیرنده این کشور نیست و هیچ یک از رهبران سیاسی ایران نمی‌خواهند که انقلاب ایران توسط پول‌های آمریکایی و در پوشش انقلاب‌های رنگی مورد آسیب قرار گیرد.

نشریه آلمانی شوایتس در مقاله ای تحت عنوان آمریکا آشوبهای ایران را مدیریت می‌کرد. اسنادی را در خصوص دخالت مستقیم آمریکا در آشوب های تهران و اختصاص بودجه ۸۵میلیون دلاری در همین رابطه منتشر کرد. این نشریه نوشت: اپوزیسیون به صورت سازماندهی شده و هدفمند تظاهرات هایی را طراحی می‌کند تا توجه جهان را برانگیزد، مدیریت مطبوعاتی در جهان در خارج از ایران است و نه در داخل آن.

همین رابطه گفت: جریان معتقد به انقلاب رنگین همیشه خود را قبل از انتخابات پیروز انتخابات معرفی می‌کند و تأکید هم می‌کند که هر چه غیر از پیروزی این جریان رخ دهد، نشانگر بروز تقلب است و رسانه‌های غربی هم با حمایت از جریان مذکور تلاش می‌کنند نظریه فوق را در قالب واقعیت به مردم القا کنند.

روزنامه اردنی الدستور در گزارشی تحلیلی به قلم «محمد سعید» با عنوان نقش آمریکا در تظاهرات معترضان ایران . . . نسخه آمریکایی برای تغییر نظام ایران را ناکارآمد خواند و دولت ایران را مقتدرتر از آن نامید که آمریکا در صدد فروپاشی آن باشد.

دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۸ – شماره ۴۰۷

کاوش

از شعار تا عمل

تناقض آشکار در بیانیه شماره ۹ میرحسین موسوی

دکتر سید داوود میرمحمدی*
انتخابات شکوهمند دهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران که با حضور ۸۵ درصدی ملت قهرمان حماسه‌ای تاریخی در این برهه از تاریخ آفرید، مردم‌سالاری دینی را به عنوان یک الگوی جامع در جهان مطرح نمود.

با توجه به رأی اکثریت ملت شریف ایران به دکتر محمود احمدی‌نژاد و تأیید شورای محترم نگهبان از صحت انتخابات، انتظار می‌رفت که آقای میرحسین موسوی با مردم همراه شده و به حکم قانون و نظام تمکین نماید لکن با صدور بیانیه شماره ۹ ایشان عملاً از مدار قانون خارج شده که لازم است به فرازهایی از این بیانیه که ضد و نقیض هایی را به همراه دارد پاسخ داده شود.

۱- در شروع این بیانیه آمده است:

همانگونه که انتظار می‌رفت شورای نگهبان پس از نمایش هایی که توجه هیچ‌کس را جلب نکرد و با چشم بستن به روی انبوه تقلب‌ها و تخلف‌های صورت گرفته سرانجام نتیجه دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری را تأیید کرد.

این ادعای کلی تقلب و تخلف که هیچ مدرک مستندی به همراه ندارد و همیشه بر طبل توخالی آن کوبیده می‌شود و دشمنان قسم خورده این مرز و بوم قبل از شروع انتخابات و بعد از آن هم بر آن دامن می‌زدند تا کجا می‌تواند ادامه یابد؟

چرا زمانی را که شورای نگهبان در اختیار شما برای اعتراض قرار داده بود، بی‌پاسخ گذاشتید و از راه قانونی که بر آن ادعا می‌نمایید وارد نشدید؟ مگر این شورای نگهبان همان نبود که شما را تأیید کرد و آیا اینگونه سخن گفتن اهانت به رأی ملت و قانون نمی‌باشد؟

۲- در ادامه ادعا شده که:

از این پس ما دولتی خواهیم داشت که از نظر ارتباط با ملت در ناگوارترین شرایط به سر می‌برد و اکثریتی از جامعه که اینجانب نیز یکی از آنان هستم، مشروعیت سیاسی آن را نمی‌پذیرد.

آقای موسوی مشروعیت این نظام با این اظهارنظر شما زیر سوال نمی‌رود بلکه خود شما زیر سوال می‌روید که ساز و کارهای قانونی این نظام و قانون اساسی را زیر سوال می‌برید.

بمحمدالله این دولت با حمایت قاطع این ملت فهیم در بهترین شرایط قرار گرفته و این دشمنان نظام هستند که در شرایط ناگواری قرار گرفته‌اند.

۳- در بخش دیگری از این بیانیه آورده‌اید که:

به خود باز گردیم کشوری به عظمت ایران را با آرمان‌هایی به بزرگی اهداف انقلاب اسلامی و با دشمنان به آن سرسختی و کینه‌توزی که می‌شناسیم.

به راستی اگر دشمن‌شناس هستید در این آشوب‌ها چه کسی بهره‌برداری کرد و چه کسانی حمایت کردند؟

اگر این زمینه را شما فراهم نمی‌کردید اسرائیل و آمریکا و انگلیس جرأت دخالت در امور داخلی ایران را به خود نمی‌دادند و این حضور حماسی ملت را در چشم جهانیان وارونه جلوه نمی‌دادند. اگر می‌خواهید عظمت ایران و آرمان‌های بزرگی را که در پیش‌گرفته تحقق ببخشید، مسیر درستی را انتخاب نکرده‌اید.

۴- در ادامه آورده‌اید:

به قانون باز گردیم به قانون اساسی این بزرگ ميثاق ملت به قواینی که خود وضع کرده‌ایم پایبند بمانیم و آنها را اجرا کنیم بدون این کار سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

این دقیقاً همان انتظاری است که ما از شما داشتیم و هم‌اکنون هم به آن توصیه می‌کنیم. اگر شما همین مطلب را رعایت می‌کردید، امروز شاهد چنین مسائلی نبودیم. اگر شما بپذیرید که قانون فصل‌الخطاب است و شیوه رسیدگی و اعتراض خود را از طریق همین قانونی که ذکر می‌فرمایید، پیگیری می‌کردید مسئله حل شده بود و اکنون به جای این بیانیه که ادبیات آن زیر سوال بردن قانون اساسی و نظام و به هم زدن محیط آرامش جامعه است، با قبول قانون، ادعای خود را به اثبات می‌رساندید.

۵- در فرازی دیگر آورده‌اید:

محرم دانستن ملت و شفافیت اطلاعات اولین قدم در راه مبارزه با فساد است.

باید به اطلاع شما رسانده شود که در طول تمامی انتخابات به اعتقاد کارشناسان در این دوره شفافیت اطلاعات بیش از همه دوره‌ها بوده و به خوبی اطلاع‌رسانی شده است.

۶- در ادامه یادآور شده‌اید که:

گروهی از نجبگان بر سر آندک هم گرد هم آیند و با تشکیل جمعیتی قانونی صیانت از حقوق و آرای پایامال شده مردم در انتخابات گذشته را از طریق انتشار مدارک و اسناد تقلب‌ها و تخلف‌های انجام گرفته در محاکم قضایی پیگیری کنند و نتایج آن را مستمراً به اطلاع عموم مردم برسانند. اینجانب نیز به این جمع می‌پیوندم.

آقای موسوی:

ساز و کار جمعیتی که شما ذکر می‌کنید در قانون اساسی آمده مگر اینکه شما ۶ فقیه و ۶ حقوقدانی که از طریق امام و رهبری و مجلس شورای اسلامی معرفی شده‌اند را قبول نداشته باشید و این نخبگانی که می‌فرمایید با چه ساز و کاری می‌بایست انتخاب شوند؟ زمانی که شما ساز و کار قانون اساسی را نمی‌پذیرید چه ضمانتی وجود دارد که رأی این گروه را در صورتی که موافق شما نباشد بپذیرید؟ و این گروه که شما هم یکی از آنها خواهید بود تا چه میزان می‌تواند وجاهت قانونی و بی‌طرفی داشته باشد؟ اگر به دنبال تشکیل حزب می‌باشید بدون شک این حزب باید قانونی بوده و اعضای آن به تأیید مراجع مربوطه رسیده باشد و اگر می‌خواهید حزبی را بدون ساز و کار قانونی آن تشکیل دهید، پس چگونه از قانون سخن می‌گوئید؟

*** عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)**